

# ماہنامہ حکایت

علمی، ادبی، اجتماعی، اجتماعی

پروین گنا بادی

## تربیت معلم در شرایط توسعه آموزش و پرورش

چندروز پیش در نشریه فرهنگ خراسان خبر مرگ یکی از خدمتگزاران صمیمی آن سامان شادروان علی اشرفزاده را خواندم که پس از سی و سه سال خدمت صمیمانه و کوششهایی که انگیزه آنها بشردوستی و ایمان بحق بود، آن مرد شریف چشم از این جهان بر بسته است. خبر مرگ یک همکار معتقد و با ایمان مرا بیاد خاطرات دوران معلمی انداخت و همکاری در نظرم تجسم یافت که از هر گونه صفات شوم مردم این عصر مبرا بود و شب و روز در اندیشه تربیت نوزادان شهر خویش میکوشید، کتاب و مجله میخواند، بر معلومات خویش خواه نظری و خواه تجربی و عملی با اشتیاق فراوان میافزود و همواره در راه بکمال رساندن تربیت نسل جوان به سرچشمه های دانش و هنر و ادب نزدیک میشد تا وظیفه خطیری را که بر عهده داشت به بهترین وجهی انجام دهد. در قیافه جدی او نور ایمان و وظیفه شناسی و اعتقاد بی شائبه به تربیت نسل معاصر خواننده میشد او مانند هر مرئی شایسته و بشردوست هرگز بفکر جاه و مال و منال نبود همه نیرو های خویش را بی ریا وقف بر تربیت نوزادان و جوانان کرده بود هر اندیشه نو و هر شیوه عملی و مؤثر را در راه آموزش و تربیت نوزادان فرامیگرفت و با اینکه مدیر مدرسه بود آنی از کامل کردن معلومات خویش غفلت نمی ورزید آخر او برخلاف بسیاری از همکاران خویش به اهمیت مسئولیت بزرگ خود در برابر جوانان و خانواده ها و میهن و خلاصه جامعه بزرگ بشریت پی برده بود. اگر در محیط او قدر معلم خوب را نمی دانستند و برخی از رئیسان فرهنگ کار اداری را بر مسئله اساسی آموزش و پرورش ترجیح می دادند

و بشویق معلمان وظیفه شناس همت نمی گماشتند ، او خود به پایگاه ارجمند معلمی پی برده بود و با اراده و پشت کار خلل ناپذیری میکوشید شخصیت خود را دمدم بالا ببرد و با عنایت صمیمانه و دلسوزی پدران دست نوزادان را بگیرد و آنان را بیدریغ به راه راست و آینده درخشان رهبری کند . خاطره همکاری با این معلم شریف یکبارہ مرا بخطری که در شرایط کنونی ، پیشرفت آموزش و پرورش را از لحاظ کیفیت تهدید میکند ، متوجه ساخت . در گذشته که آموزشگاه ها از نظر کمیت تا این حد توسعه نیافته بود مدارس معدودی که در هر شهر بکار خطیر آموزش و پرورش جوانان می پرداختند و چراغ دانش و تربیت را فراراه جوانان می گذاشتند با همچشمی و رقابت خردمندانه میکوشیدند ، وضع آموزشگاه ها را از همه جهات آموزشی و پرورشی ترقی دهند معلمان دلسوز و تجربه اندوز و با ایمان برمی گزیدند و برای پیشرفت جوانان در درس و اخلاق درست راههای سودمند و عملی پیش میگرفتند همان ایمان به کار تربیتی و عشق به وظیفه بزرگترین انگیزه معلمان برای تکمیل خویش و بهتر کردن کار مهم خود بود و چون تعداد آموزشگاهها اندک بود مدیران مدارس میتوانند معلمان نخبه ای از میان جوانان تحصیل کرده بجویند و آنان را با تشویق و ترغیب به مجهز ساختن خویش در این امر بزرگ رهبری کنند اگر بر حسب تصادف گاهی عناصر سودجو و نالایقی به مدارس راه می یافتند دیری نمی گذشت که توجه خاص اولیای کودکان و مدیران مدارس و افکار عمومی آنان را به کناره گیری از این وظیفه مقدس برمی انگیزد و خواه ناخواه محیط هماهنگی و همکاری دوستانه ای در جامعه فرهنگ وجود داشت در حالیکه امکانات فرهنگیان در آن روزگار از لحاظ کتاب و دیگر وسایل تربیتی بهیچرو با اوضاع کنونی قابل قیاس نبود اما هم اکنون که آموزش و پرورش در سراسر کشور ما با سرعت شگفتی آوری و توسعه نهاده و در دورترین نقاط کشور دبستانها تأسیس یافته است و گروههایی برای امر مقدس معلمی دسته دسته بروساها گسیل میدارند ، بیم آن میرود که عنایت به کمیت کیفیت آموزش و بویژه پرورش صحیح نوزادان و جوانان را بیاد فراموشی بسپارد چنین خطری اختصاص به کشور ما ندارد بلکه در سراسر جهان که پس از جنگ ، سازمان ملل متحد از راه یونسکو و دیگر سازمانهای جهانی در باسواد کردن ملتها گام برمیدارد ، کمبود معلم خوب و شایسته احساس میشود و پدید آمدن گروههای بزرگ معلمان کم تجربه در برابر اقاییت معلمان شایسته بیکمان به کیفیت امر تربیت و ساختن انسان های متناسب با عصر حاضر ، گزند فراوان میرساند و از هم اکنون میتوان پیش بینی کرد که اگر در چاره جویی این واقعیت خطرناک گامهای بلندی برداشته نشود ، نسل آینده گرفتار بیماریهای مزمن اجتماعی خواهد شد و از تربیت صحیحی که در شرایط عصر نوین باید بدان مجهز گردد محروم خواهد گشت .

اگر وزارت آموزش و پرورش که اکنون کار آن منحصر به باسواد کردن گروههای عظیم روستاییان و شهریان و در عین حال مجهز کردن نسل آینده به تربیت سازوار با شرایط تمدن معاصر است ، از راه طرح و اجرای نقشه های جامع و دقیق نیازمندیهای اجتماع نوین کشور را در نظر نگیرد و برنامه ها و طرحها و نقشه ها را با شرایط اجتماعی و اقتصادی این عصر

تطبیق نکند و از سوی دیگر با احتیاجها و استعدادها و مهارتهای جوانان و شیوه پرورش صحیح آنها توجه کامل مبذول ندارد، ممکن است نتیجه منطقی و صحیحی از ابتکار طرح و نقشه مترقیانه سپاه دانش بدست نیاید چنین ابتکار بزرگ و شاهانه‌ای نیاز به فعالیتهای صمیمانه و کوششهای مداوم دارد و باید مجریان این طرح عظیم همچون مجاهدان دلوری اوقات خویش را وقف بر اجرای صحیح آن کنند و آنی از پیشرفت همه جانبه آن غفلت نورزند و چنین فرصت گرانبهای را مغموم بشمارند و برای مجهز ساختن نسل آینده به دانش و تربیت مترقی عصر حاضر، حداکثر استفاده را بدست آورند تربیت معلمانی دلسوز همچون اشرف زاده ها در شرایط زندگی معاصر که طرز تفکر جوانان تغییر یافته و نیازمندیهای زندگی مادی بیش از حد، در سطح بالاتری جای گرفته، نیاز به نقشه‌ها و طرحهای نوین و متناسب با زمان دارد. قانع شدن به کلاس چندماهه‌ای که آموزگاران می‌بینند و انتظار معجزه کردن از آنان بی فراهم ساختن موجبات و وسایل دیگر هیچگاه نتیجه رضامندانه بدست نمیدهد ایجاد کتابخانه‌های ثابت و سیار در سراسر روستاها و شهرها، تشویق مترجمان و نویسندگان به تألیف و ترجمه کتابهای گوناگون فنی و تربیتی درباره روشهای مختلف تربیت در کشورهای مترقی و تحولاتی عظیم فن آموزش و پرورش و دانشهای روانشناسی و اقتصاد و جامعه شناسی و زیست شناسی و دیگر دانشهای مربوط به تکنیک معاصر و همچنین کتب مربوط به آموختن زبان و ادبیات و هنر برای معلمان و کتابهای کمکی بزبان ساده برای خردسالان و جوانان باید سرفصل برنامه مترقی وزارت آموزش و پرورش باشد. بنیان نهادن سازمان تألیف و ترجمه‌ای بدو منظور مذکور یعنی بالا بردن سطح فهم و دانش و اندیشه معلمان و شاگردان از واجبات بشمار میرود چنین کتابهایی باید با نثری صحیح و ساده و روان درخور فهم هر یک از دو دسته معلمان و شاگردان زیر نظر متخصصان فن فراهم آید و بویژه کتابهای کمکی شاگردان از لحاظ اسلوب نگارش باید متناسب با سن کودکان و جوانان در مراحل مختلف آموزشی باشد.

در چنین سازمانی باید گروهی از متخصصان با دقت فراوان کتابهای مورد نیاز را انتخاب کنند چنانکه از لحاظ شیوه نگارش درست و دلپذیر و از نظر مفاهیم و موضوع برآورده همه نیازمندیهای معلمان و شاگردان باشد. در هر شهر و روستا گذشته از کتابخانه عمومی باید در همه آموزشگاهها و حتی در همه کلاسها کتابخانه‌هایی متناسب با سطح فکر خوانندگان تأسیس کرد و با تشویق و مسابقه و اعطای جایزه مردم و بویژه مقصدیان امر آموزش و پرورش و نوجوانان را به کتاب خواندن برانگیخت.

برای اینکه سطح دانش و تجربه معلمان روز بروز بالا برود، ضرورت دارد که هیئتهایی مرکب از متخصصان آموزش و پرورش و بهداشت و تعلیم زبان و اقتصاد همواره در سراسر کشور در حرکت باشند و در شهرها و روستاها مجالس سخنرانی و کلاسهای کوتاه مدت تشکیل دهند و مردم و جوانان را به اصول رستاخیزی که در کشور پدید آمده آشنا سازند و نیازمندیهای گروه معلمان را در نظر گیرند و آنان را به معلومات نو و شوق و عشق به وظیفه

بزرگ اجتماعی خویش مجهز کنند وزارت آموزش و پرورش با نشر جزوه‌ها و رساله‌های سودمند که از لحاظ شیوه نگارش دلپذیر و از نظر چاپ و کاغذ و تصاویر دلپسند باشند میتواند جوانان و بویژه معلمان را بکتاب خواندن دل بسته کند و حتی گروهی از با سوادان را که بخواندن نوشته‌های مبتذل و بلکه زیان بخش خو گرفته‌اند تغییر دهد و طرز تفکر آنها را عوض کند تا به مطالعه آثار ثمر بخش خو گیرند .

نکته شایان توجه این است که در این رستاخیز فرهنگی و ملی بزرگترین هدف فرهنگیان باید شناساندن صحیح ملت ایران باشد و سهمی که مردم ما در انتشار و ایجاد تمدن از دیرباز بر عهده داشته‌اند باید از راههای گوناگون همچون نشر رساله‌ها بزبان ساده و همه کس فهم و سخنرانیها و فیلمها و جزاینها در نظر نسل معاصر تجسم یابد بیگمان برای مستقر ساختن صلح جاویدان یکی از راههای منطقی در نخستین مرحله خود شناسی ملتها و سپس هم دیگر را شناختن است تا بدگمانیها و سوء تفاهمها به گمان نیک و حسن تفاهم مبدل شود و کینه توزیها و تمسبهای نابجا از جامعه بشریت رخت بر بندد و جای آن را دوستی و برادری ملتها بگیرد اگر ملت ما بدرستی مفاخر گذشته خود را بداند و جنبشهای بزرگ نیاگان خویش را در نشر تمدن پیش از اسلام و پایه گذاری دانش و فرهنگ جهان پس از اسلام بداند هرگز بتقلیدهای ناروا از بیگانگان و بیماری خطرناک غرب زدگی دچار نخواهد شد و در خواهد یافت که اخذ دانش و فرهنگ دیگران هیچگاه با حفظ و نگهداری آیینها و سنتهای ملی مغایرت ندارد و اما آنچه مربوط به وزارت فرهنگ است نمیدانم با تجزیه دو وزارتخانه چگونه عملی میشود آیا در هر شهر یک رئیس آموزش و پرورش و یک رئیس فرهنگ و هنر وجود دارد که هر یک جداگانه و بی هماهنگی بکار و وظیفه خود مشغولند یا در شهرها و روستاها یک تن عهده دار هر دو وظیفه است در هر حال با توسعه روز افزون آموزشگاهها در روستاها و نقاط دور افتاده و بویژه در میان ایلهها و چادر نشینها وظایفی متوجه متصدیان امر آموزش و پرورش میشود که اساس ملیت ما مبتنی بر آنهاست و شاید وزارت فرهنگ و هنر خود بوسیله گسیل داشتن مامورانی به سرتاسر روستاها و شهرها در باره این وظایف اهتمام ورزد در هر حال هم اکنون که با شتاب هر چه تمامتر ، اوضاع و احوال کشور در تحول و تبدیل است و وسایل تمدن نوین همچون : نشر تعلیم و تربیت ، رادیو ، مطبوعات ، وسایل تندرو مانند راه آهن و اتومبیل و هواپیما و جزاینها لهجه‌ها و آیینها و رسمهای کهن را از میان میبرد سزا است که با همان سرعت وسایل عصر نو و در نهایت دقت و دلسوزی گروههایی برای گردآوری صحیح لهجه‌ها - لغات محلی - اصطلاحات و امثال و افسانه‌ها و بازیها در کلاسهای تربیت شوند و بیدرتک به سرتاسر روستاها گسیل گردند چندی پیش کتاب سودمندی بنام : راهنمای گردآوری گویشها تألیف آقای دکتر صادقی کیا معاون وزارت فرهنگ و هنر بدستم رسید که بسیار سودمند بود و یقین

دارم آقای کیا که اهتمام و علاقه وافری به فولکلر یا بگفته خودشان (هاموید) ایران دارند تاکنون دستورها و راهنمایهای جامع و مفید دیگری نیز در باره همه شعب فولکلر گرد آورده اند چون در پشت جلد کتاب مزبور شماره ۱ دیده میشد امیدوارم شماره های دیگر آن نیز منتشر شده باشد بعقیده نگارنده از کتاب مزبور و دیگر شماره های آن اگر منتشر شده باشد باید بتعداد تمام معلمان ایران چاپ و برای آنها فرستاده شود و از آنان بخواهند که بدستور آن کتاب در محل خودشان گویشها را گرد آورند و البته برای بهترین آنها جایزه هم تعیین کنند و بهمه آنان اجر مادی هم داده شود تا با علاقه مندی بدین کار خطیر دست یازند . بیگمان هم اکنون وزارت فرهنگ و هنر برای گردآوری و نگهبانی آیینهای کهن محلی همچون جشنها - مهمانیها سوگواریها رسمهای زناشویی . روشهای درمان بیماران و خلاصه همه آداب و رسوم زندگی و خرافات و ترانه ها و آهنگها و رقصها و جامه های مختلف بزم و رزم و جز اینها طرحهای مؤثری تدوین کرده است بویژه باید در نظر داشت که ملت ما با داشتن سابقه تاریخی کهن در بسیاری از شیوه های زندگی و رشته های علمی و هنری همچون درختکاری و باغبانی و گلکاری و دامپروری و هنرهای دستی و پارچه بافی و تربیت کرم ابریشم و تهیه قماشهای ابریشمی و کزی و پنبه ای و معماری و آبیاری و ساختن وسایل کشاورزی و آگاهی از گیاههای دارویی و بسیاری از فنون و هنرهای انسانهای قدیم تجارب گرانبهایی دارد و بیشک در باره هر یک لفتها و اصطلاح های گوناگون در همه استانها و روستاهای این سرزمین متداول است که اگر با شتاب هر چه بیشتر گردآوری نشود بزودی از یادها خواهد رفت گردآوری همه این لفتها و اصطلاحها و تدوین آنها بیقین به استادانی که در این رشته ها به ترجمه و تألیف میپردازند کمک بسزایی خواهد کرد و زبان ملی ما را همچنان غنی نگه خواهد داشت مقایسه برخی از کتابهای دانشگاهیان در این رشته ها مایه حیرت میشود چه تألیفهای آنانکه خود به روستاها و شهرهای مختلف سفر کرده و از اصطلاحها و لغات محلی تا حدی آگاه شده اند با نوشته ها یا ترجمه های مضحک برخی که تنها به اطلاعات ماخوذ از متنهای خارجی اکتفا کرده اند ، تفاوت فراوان دارد و اگر دستگاه مجهزی همچون وزارت فرهنگ و هنر به گردآوری همه این اصطلاحها و لغات همت گمارد بی تردید خدمتی بزرگ بزبان ملی و کمکی شایان به مترجمان و مؤلفان رشته های مزبور خواهد شد . باری گفتار ما از خدمتگزاران صمیمی و کوشا به فرهنگ آغاز شد و در پایان هم تاکید میکنم که برای تربیت کادرهای مؤثری در دو وزارتخانه فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش گذشته از اقدامات فنی تشویق خدمتگزاران واقعی خواه در حیات و خواه پس از مرگ از عوامل مؤثر بشمار میرود و بویژه در این روزگار عنایت بوضع زندگی مادی مریبان و معلمان و تهیه کردن وسایل رفاه آنان از مسکن گرفته تا دیگر ضروریات زندگی بوسیله تاسیس شرکتهای تعاونی مصرف و حتی تولید و سهم کردن آنان در اینگونه شرکتهای تأثیر بسزایی در طرز کار و علاقه مندی آنان خواهد بخشید